

## بررسی مقابله ای نقش گفتمانی ادات پیوندی "و" و "ف" در قرآن کریم

الخاص ویسی<sup>۱</sup>، آرزو مولوی وردنجانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه زبان خارجه و زبانشناسی، دانشگاه پیام نور ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری دانشکده زبانشناسی، دانشگاه آزاد اهواز، اهواز، ایران

---

### چکیده

مطالعه حاضر به بررسی نقش روابط گفتمانی ادات پیوندی در متن قرآن کریم می پردازد. ادات پیوند نه تنها ارتباط دهنده بخش های مختلف متن، که ابزار اصلی تحقق کنش ارتباطی متن بوده و به مخاطب در درک متن گفتمان کمک می کنند. این مطالعه، که با روش توصیفی- تحلیلی و در چارچوب زبانشناسی متن انجام شده است، نقش ادات پیوندی به کار رفته در سطح برخی از آیات قرآن کریم (سوره یس) را در جایگاه آغازی، میانی و پایانی مورد مطالعه قرار می دهد. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد حرف ربط "و" در متن سوره مورد نظر به نسبت یکسان در جایگاه آغازی و میانی به کار رفته و بیشتر در روابط پیوندی، تمثیلی و تقابلی شرکت می کند، در حالیکه حرف "ف" غالباً در جایگاه میانی و در روابط توالی زمانی، شرطی و علی به کار گرفته شده است.

**واژگان کلیدی:** زبانشناسی متن، قرآن، روابط گفتمانی، ادات پیوند.

---

**۱- مقدمه**

زبان‌شناسی متن یکی از شاخه‌های مهم علوم شناختی و گرایش‌های نوین زبان‌شناسی است و کاربرد فراوانی در حوزه مطالعات قرآنی از جمله آواشناسی در تجوید، کاربردشناسی در متشابهات، زبان‌شناسی تاریخی در بلاغت، ریشه‌شناسی در واژگان دخیل قرآن و معناشناسی در تفسیر موضوعی دارد. "این شاخه از زبان‌شناسی با هدف پاسخ به چیستی و چگونگی تولید متن و سازمان درونی آن به وجود آمده و در پی یافتن چگونگی درک متن از سوی مخاطب است" (آقاگل زاده، ۹: ۱۳۸۵). هدف اصلی تفسیر قرآن درک و توضیح حقیقت قرآن است و هر مفسری سعی در رمز گشایی کلام حق از خلال آیات آن دارد. در این راستا مفسر از دو گونه ابزار درونی و بیرونی در تفسیر قرآن بهره می‌گیرد. ابزار درونی مطالعه متن آیات و ابزار بیرونی جستجوی تغییرات تاریخی زبان عربی، روایات تاریخی، استناد به احادیث و اجتهاد است. بدیهی است ابزار بیرونی با توجه به بافت زبانی/ غیر زبانی اتخاذ می‌شود، در حالیکه ابزار درونی غیر قابل تغییر بوده و شامل واژگان، سبک ارتباطی، پیام و نظم (انسجام) می‌شود (اسرار احمد خان، ۲۰۰۲). بنابراین، تفاوت‌هایی که گهگاه در تفاسیر آیات قرآن به چشم می‌خورد، حقیقت جهانشمول بودن قرآن و تناسب آن با شرایط شأن نزول آیات را زیر سؤال می‌برد. بعلاوه، این تعارض‌ها ممکن است منجر به درک نادرست از متن قرآنی مبنی بر غیرخطی بودن و ناپیوستگی مطالب آن شود. بنابراین، تأکید بر یکپارچه بودن متن قرآن و مطالعه رابطه میان آیات، به عنوان واحدهای گفتمانی آن، ضرورت پیدا می‌کند. در همین راستا مقاله حاضر به بررسی چگونگی کاربرد این عناصر در فرایند شکل‌گیری انسجام آیات قرآنی می‌پردازد.

**۲- مروری بر پیشینه تحقیق**

از آنجا که ویژگی اصلی هر متن تداوم و استمرار آن است، همه عوامل زبانی که در پیوستگی متن نقشی ایفا می‌کنند اهمیت می‌یابند. انسجام، به عنوان عاملی در جهت پیوند دادن مؤلفه‌های روساختی متن، از یک سو به نقش متنی در نظام معنایی و از سوی دیگر به شیوه سخن در نظام بافتی مرتبط می‌شود و شامل ابزارهای زبانی گوناگون دستوری (ارجاع، پیوند، حذف، جایگزینی)، واژگانی (تکرار، با هم آیی) و معنایی می‌شود (نظری و دیگران، ۸۶-۸۷: ۱۳۹۰) که از میان آن‌ها حرف ربط، به عنوان ابزار ایجاد انسجام در متن، از جنبه‌های مختلف مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته است. هالیدی و حسن (۳۰۳: ۱۹۷۶) این مفهوم را به صورت زیر تعریف می‌کنند:

"حرف ربط مرز انسجام دستوری و واژگانی است؛ به این معنا که نماینده ارتباط معنایی بین عناصر سازنده متن بوده و معنی آن بازتاب محتوای معنایی گزاره‌های متوالی است."

دیک معتقد است این دسته از حروف دارای ارزش‌های معنایی هستند که در پیوند سازه‌های مختلف محدودیت‌های معنایی ایجاد می‌کنند (۱۹۶۸، به نقل از یحیی، ۲۰۰۵)، و گانتز (۱۹۸۴) ادعا می‌کند حروف ربط معانی خاصی بر گزاره‌ها تحمیل می‌کنند. زمل (۱۹۸۳) این حروف را با توجه به نقش دستوری شان به حروف ربط همپایگی، ناهمپایگی و قید تقسیم می‌کند. ادات پیوندی با توجه به ساختار اطلاعاتی که اشغال می‌کنند، می‌توانند در جایگاه‌های مختلف آغازی، میانی و پایانی وارد شوند. فریزر (۱۹۹۹) و براوکلادرا (۲۰۰۱) در مورد محل وقوع نشانگرهای گفتمان مطالعاتی انجام داده و نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد این اقلام زبانی بیشتر تمایل دارند جایگاه آغازی جمله را اشغال کنند (به نقل از الکهلانی: ۲۰۱۰) و این اشاره به نقش نشانگر گفتمانی دارد. در واقع، سازنده متن برای انتقال آشکار یا پنهان آنچه در ذهن دارد طیف وسیعی از انتخاب‌های زبانی اختیار دارد و با توجه به هنجارهای ارتباطی با مخاطب ارتباط پیدا می‌کند. بهمین شکل، فولر (۶۷: ۱۹۸۶) معتقد است سازنده متن با استفاده از تلویحات مخاطب را برای استنتاج فرضیات بیان نشده آماده می‌سازد.

در زبان عربی به دلیل نداشتن یک سیستم نقطه‌گذاری منظم و استفاده از آن در چارچوب قوانین بسیار انعطاف‌پذیری که نویسندگان عرب آن را دنبال می‌کنند (کاپلان، ۱۹۶۶؛ کاج، ۱۹۸۱؛ ویلیامز، ۱۹۸۲؛ عزیز، ۱۹۹۸). علاوه بر این، در این زبان به نشانگرهای صریح گفتمانی توجه زیادی شده است که در سطوح مختلف نقش‌های متفاوت سبکی، معنایی و نحوی ایفا می‌

کند (یحیی، ۲۰۰۵: ۱۳۰) و این در حالی است که ماهیت چند نقشی برخی ابزار انسجامی می تواند منجر به تفسیر بیش از یک نقش در یک متن شود (اندرسن، ۱۹۹۸: ۱۵).

مطالعات زبانشناسی عربی قدیم نیز در حوزه نحو تا حدود زیادی به ساختار جمله پرداخته که در این میان توجه به عوامل انسجامی حذف و ادوات ربط از دید نحوی و بلاغی در آن به چشم می خورد، بعنوان مثال، معنی شناسان عربی باستان بویژه برای الفصل و الوصل یعنی نشانگرهای صریح و ضمنی اهمیت خاصی قائل می شدند (نظری و دیگران، ۹۳: ۱۳۹۰).

سکاکی (۵۵۵-۶۲۶ ه.ق.) با ذکر اصطلاحاتی مانند عطف و قطع به اصول و یا شروطی جهت درک عطف اشاره می کند، مانند شناخت جایگاه عطف، شناخت معانی حروف عطف مانند و، فم، ثم، بل و غیره، شناخت اینکه واو حرفی است که فایده آن اشتراک معطوف و معطوف علیه در معنای اعرابی است، و یا برای اینکه عطف با واو مقبول یا مردود باشد ملاک، وجود یک جامع بین معطوف و معطوف علیه است (هنداوی، ۲۰۰۰).

الخلیل (۲۰۰۵) ادعا می کند که ادات پیوندی در هر دو نوع گفتمان نوشتاری و گفتاری زبان عربی به کار می رود. در مطالعه ای مشابه میری حسین (۲۰۰۹) بیشترین ادات پیوندی به کار رفته در زبان عربی استاندارد را لکن، بینما، بل و ف، و نشانگرهای بس، لالیک، بتالی و لاه سبب را در نوع گفتاری زبان عربی سوریه معرفی می کند.

السیف (۲۰۱۲) در مطالعه ای میان رشته ای به بررسی ادات پیوندی صریح در زبان عربی استاندارد در حوزه ترجمه ماشینی پرداخته و ضمن ایجاد اولین پیکره زبانی گفتمان عربی (پایگاه دادگان زبان عربی لیدز) دست به تشخیص و توصیف دقیق نشانگرها و روابط گفتمانی زبان عربی زده است.

اما اولین تلاش جدی در درک آیات قرآن بر پایه اصل انسجام توسط محمد بن عمر فخر الدین رازی در کتاب معروفش به نام مفاتیح الغیب (۶۰۶ ه.ق.) انجام شد و به دنبال آن پژوهشگران بسیاری از قبیل ابوبکر عبدالله نیشابوری، محمد عبدالله بن بدرالدین زرکشی، ابو جعفر احمد، ابراهیم بن زبیر و دیگران بر ضرورت دانش شناسایی انسجام در آیات قرآن تأکید داشته، لکن تعداد کمی از آن ها تئوری نظم را در آثارشان به کار گرفته اند (خان، ۲۰۰۲).

الفرحی (به نقل از میر، ۱۹۸۶) اصل کلی تفسیر را نه تنها در تبیین پیام هر آیه، بلکه در تحلیل ارتباط آن با آیات دیگر سوره به کار گرفته است و بر این باور است که محتوای پیام یک سوره در یافتن ارتباط تک تک مؤلفه های آیات مؤثر است.

الطهری (۲۰۱۰) به مطالعه ساختار درونی سوره بقره پرداخته و به این منظور از تحلیل عنصر انسجامی تکرار در سخن بهره می گیرد و معتقد است روابط شمول، جایگزینی و ساختاری واحدهای ترکیبی این سوره را ترسیم می کنند.

با توجه به مطالب فوق، توجه به علائم صوری و محتوایی و نیز تفاوت لحن در آیات می تواند به درک معنا و تفسیر دقیق تر آیات و رفع شبهات در این زمینه کمک کند. بدیهی است که متن قرآن یک نظام منسجم از سور کوتاه یا بلند است و از واحدهای بهم پیوسته از معانی و واحدهای زبانی تشکیل شده که بر پایه عوامل انسجام متنی به هم گره خورده اند. بر این اساس، این مطالعه تلاشی جهت تأکید بیشتر بر اهمیت مفهوم انسجام در تفسیر قرآن، ادات پیوندی در سطح بین جمله در خلال آیات سوره مبارکه یسرا بررسی می کند. در این راستا فرضیه های زیر مورد بررسی قرار می گیرند:

الف. ادات پیوندی "و" و "ف" به کار رفته در سوره های مورد نظر از نظر محل وقوع (آغازی، میانی، پایانی) متفاوت هستند.

ب. ادات پیوندی "و" و "ف" به کار رفته در سوره های مورد نظر به لحاظ تنوع نقشی متفاوت عمل می کنند.

با توجه به اینکه استفاده از ادات پیوندی یک پدیده مستقل گفتمانی نبوده و دربرگیرنده روابط خاص میان بخش های مختلف متن محسوب می شود، ادامه مقاله به بررسی و توصیف انواع روابط گفتمانی می پردازد.

### ۳- روابط گفتمانی

به اعتقاد مارکو (۱۹۹۹: ۳۶۷) جمله وارها و جمله ها اصلی ترین واحدهای گفتمان هستند، که موضوعات ذهنی مثل وقایع، حقایق یا گزاره ها را بیان می کنند و زمانی که دو واحد گفتمانی با دو یا تعداد بیشتری نشانه گفتمانی به یکدیگر وصل می شوند یک چرخه متنی طولانی تر حاصل می شود؛ لذا روابط گفتمانی در خوانش پذیری و صراحت هر چه بیشتر گفتمان

اثرگذار خواهند بود (مارکو، ۴۰۱-۳۹۰: ۲۰۰۰). کوهن (۱۹۸۴) معتقد است روابط مذکور توانایی ارتباط دادن سریع تر پاره های گفتمان و تشخیص روابطی که در غیاب حروف ربط استنباط نمی شوند، را تسهیل می نمایند.

پاره ای از مطالعات (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶؛ مان و تامپسون، ۱۹۸۸؛ هاوی و مایر، ۱۹۹۳؛ مارکو، ۲۰۰۰؛ پراساد و همکاران، ۲۰۰۸) به طرح پرسش های زیربنایی مهمی در خصوص ماهیت روابط گفتمانی می پردازند، از قبیل آنکه این روابط دقیقاً چه چیزهایی را به هم ربط می دهند؟ چه تعداد روابط گفتمانی برای برقراری ارتباط بین دو واحد گفتمانی کفایت می کند؟ آیا واحدهای گفتمانی مورد نظر باید لزوماً همجوار باشند یا در شرایطی می توانند با هم همپوشی نداشته باشند؟ آیا می توان تعریف استاندارد برای هر کدام از روابط گفتمانی ارائه کرد؟ کدام واحدهای واژگانی به نحو مطلوب تر بر روابط گفتمانی دلالت دارد و بالأخره بهترین ساختار متنی که به کمک این روابط می توان صورت داد کدام است؟

در طبقه بندی روابط گفتمانی می توان به یک ساختار سلسله مراتبی قائل شد که بیانگر انواع روابط انسجامی با سطوح مختلف می شود (مارکو، ۴۰۳: ۲۰۰۰). هاوی (۱۹۹۳: ۳۶۰) با جمع آوری روابط گفتمانی مختلف و جای دادن آن ها در سلسله مراتبی از روابط معنایی، این گروه اقلام واژگانی را یک گروه نحوی باز قلمداد می کند که با ظهور اقلام زبانی ممکن دیگر امکان گسترش آن وجود دارد. غالب نظریه های مرتبط با ساختار گفتمان در توصیف خود از روابط مشابه بهره می برند. نکته قابل توجه اینجاست که اصطلاح شناسی روابط گفتمانی از معیار خاصی پیروی نمی کند و این موضوع ترسیم اصطلاحات مختلف در آن را پیچیده تر می سازد.

هالیدی و حسن (۱۹۷۶) ادات پیوند را به دو دسته خرد و کلان تقسیم می کند. در این طبقه بندی نشانگرهای بزرگ شامل نشانگرهای موضوعی هستند که شروع و پایان موضوع را نشان می دهند و نقش شان بیشتر کلامی و کاربردشناختی است. آنها نقش نماهای کلامی خرد را در ۴ دسته افزایشی ها، تباینی ها، علی ها و زمانی ها طبقه بندی می کنند. افزایشی ها، واژه ها و عباراتی هستند که حضور آن ها در جمله دوم باعث افزودن مفهومی به جمله اول می شود (بعلاوه، افزون بر، همچنین). تقابلی ها دسته ای از نقش نماها هستند که سبب القای مفهومی خلاف آنچه پیش تر در متن بیان شده می شوند (مع هذا، علی رغم، اما). نشانگرهای علی، نقش علت و معلول را ایفا می کنند (در نتیجه، زیرا) و در نهایت نشانگرهای زمانی به مفهوم زمان وقوع سخن اشاره دارند (پیش از این، سپس، فردا).

وینتر (به نقل از فضائی، ۴۵۳: ۱۳۹۰) این اقلام زبانی را به ۵ دسته نشانگرهای توالی منطقی، نشانگرهای تقابلی، نشانگرهای احتمال، نشانگرهای غیرتقابلی و نشانگرهای تفصیلی تقسیم بندی می کند. نشانگرهای توالی منطقی مورد نظر وینتر در مفهوم نشانگرهای علی به کار می رود، مانند بنابراین، در نتیجه، پس. نشانگرهای تقابلی مانند اما، برعکس، گرچه؛ و نشانگرهای احتمال مانند احتمالاً، شاید. نشانگرهای غیرتقابلی مانند بعلاوه، نیز، گذشته از این، به اضافه و مانند آن. از نشانه های تفصیلی می توان به مواردی چون بویژه، به خصوص، برای مثال اشاره کرد.

مان و تامپسون (۱۹۸۸) تعداد ۲۴ رابطه را در قالب دو دسته عمده روابط اطلاعی (توضیحی، مصداقی، علی، تکرار) و روابط تعمیدی (انگیزشی، پس زمینه ای، توجیهی، تصدیقی) قرار دادند.

هاوی و مایر (۱۹۹۳) در مطالعه ای تطبیقی تعداد ۴۰۰ رابطه گفتمانی را با دادن تعاریف جدید ذیل ۷۰ عنوان رابطه پربسامد تقسیم کردند که ذیل سه گروه کلی توضیحی، افزایشی و تفصیلی و زیر مجموعه های گسترده تری برای هر گروه قرار می گیرند (السیف، ۱۹: ۲۰۱۲).

پراساد و همکاران (۲۰۰۸) انواع روابط مذکور را در ۴ گروه کلی نشانگرهای زمانی، تقابلی، احتمال و تفصیلی جای می دهد.

#### ۴- داده ها و روش تحلیل

برای انجام این پژوهش، ابتدا سوره مبارکه یس، از سور مکی قرآن کریم که مشتمل بر ۸۳ آیه است، به عنوان متن مورد مطالعه و از بین ادات پیوندی، حروف ربط "و" و "ف"، انتخاب شده و از نظر جایگاه و میزان وقوع، در قالب چهار نوع رابطه گفتمانی توالی منطقی (زمانی، علی)، مقایسه ای (تقابلی، تشابهی)، احتمال (شرطی، موقعیت) و تفصیلی (بازگویی، استثنا،

تمثیلی و پیوندی) مورد بررسی قرار گرفتند. واحد تحلیل در این مطالعه آیه بوده و منظور از پیوستگی، ارتباط بین تمام یا تعدادی از آیات قرآن است.

ادات پیوندی در گفتمان عربی گاه به صورت یک واژه بست پیشوندی به فعل یا اسم می چسبند، مثل ف، لکن و بعدما، یا به شکل یک توالی از واژه ها که عبارت نحوی هم نیست، مانند فضلا عن یا نظرا لرظاهر می شود. جهت شناسایی و تحلیل واژگانی ادات پیوندی انسجامی (نشانگرهای گفتمان) در زبان عربی از اطلاعات پایگاه های دادگان گفتمانی ادبیات عرب LADTB و ATB استفاده شد (السیف، ۲۰۱۲).

روابط توالی منطقی دو گروه روابط زمانی و علی را در بر می گیرد. از جمله روابط منطقی زمانی در زبان عربی می توان به و، کما، خلال، عندما، منذ، حتی، حیث، ف، حینها، حین، فی حین، بینما، فیما و فی ظل اشاره کرد؛ و از روابط منطقی علی می توان ف و و را برشمرد.

روابط مقایسه ای تقابلی مثل کما، حتی، و، لکن، الا ان، رغم، اما، فیما، بید ان، غیر ان، لو، انما، بالمقابل، بید، بالرغم من، فی المقابل، بینما، بل، فی حین و ب؛ و روابط مقایسه ای تشابهی شامل و، عندما، فیما و کما می شود.

روابط احتمال (موقعیت) مثل فی حال، اذا، لو، طالما، و، لو لا، عندما، حتی، حال، الا اذا، الا بعد و کما؛ و از جمله روابط احتمال (شرطی) می توان به ل، ب، لان، بسبب، و، ف، حیث، سیما، نتیجه، عندما، لکی، لذا، فی ظل، انما، خصوصا، بغیه، لأن و نظرا ل اشاره کرد.

روابط معنایی که برای تفصیلی که با تغییر موضوع یا بازگویی به توسعه گفتمان کمک می کنند شامل حیث، لکن، اذ، خصوصا، و، الا سیما، کما، بمعنی آخر، ف و بل می شود و از جمله روابط تفصیلی نشان دهنده استثنا می توان به لکن، الا، الا بعد و الا ان اشاره کرد. از روابط تمثیلی می توان کما، سیما، خصوصا، ف، و و حیث را برشمرد و از روابط پیوند دهنده که با مرتبط ساختن بخش های مختلف گفتمان سبب تداوم و گسترش آن می شوند می توان اذ، فیما، کذلک، ایضا، کما، و، کان، حیث، فی حین، اما، بل، فضلا عن، حتی، انما، اضافی، الی ان، بالمقابل و حال را نام برد.

در ادامه به ارائه تقسیم بندی صورت بندی شده و ذکر مثال هایی برای هر مورد می پردازد.

#### ۱-۴- رابطه توالی منطقی: زمانی/ علی

الف. إِنَّا جَعَلْنَا فِيْ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ (۸) وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۹)

در مثال ۱-۴- الف از آیه ۸ و ۹ سوره مبارکه یس، خداوند جزئیات عذابی را که در انتظار افرادی که ایمان نمی آورند است را در قالب پاره گفتارهای پی در پی که با یک توالی زمانی به دنبال یکدیگر می آیند، به تصویر می کشد. به این ترتیب، حروف ربط ف و و در جمله های (فَهُمْ مُّقْمَحُونَ، وَجَعَلْنَا...، وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا و فَأَغْشَيْنَاهُمْ) توالی زمانی را نشان می دهند. لکن در جمله (فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ) دلیل این بالا نگه داشتن سر و بستن چشمان و فرا رو نهادن حائل پیش روی کافران را بیان می کند (تا نتوانند ببینند).

ب. إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۵۳) فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۴) همچنین در مثال ۱-۴- ب همانطور که از معنای آیه بر می آید، حروف ربط ف مشخص شده توالی زمانی واقعه ذکر شده را نشان می دهد (فقط یک فریاد است و همه در پیشگاه ما حاضر آیند و در آنروز بر کسی هیچ ستم نمی رود).

ج. الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ (۸۰) أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (۸۱)

اما در مثال ۱-۴- ج، حرف ف در آیه ۸۰ سوره یس آمده است (برایتان در درخت سبزاخگر نهاد تا از آن آتش افروزید) و در آیه ۸۱ در پاسخ به این پرسش که (آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده توانا نیست که [باز] مانند آنها را بیافریند) می فرماید: (آری زیرا او آفریننده دانا است). بنابراین حرف ربط ف در این دو آیه در مفهوم علی به کار گرفته شده است.

۲-۴- رابطه مقایسه ای: تقابلی / تشابهی

الف. اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ (۲۱)

ب. وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ (۴۱) وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (۴۲) وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ (۴۳)

در مثال ۲-۴-الف و ب فوق حرف ربط میانی و مشخص شده مفهوم تقابلی دارد، چنانچه در آیه ۲۱ می فرماید پیروی کنید از کسانی که (پاداشی از شما نمی‌خواهند) و در مقابل (شما را هدایت می‌کنند). به همین صورت در آیه ۴۳ می فرماید (نیاکانشان را در کشتی انباشته سوار کردیمو مانند آن برای ایشان مرکوبهایی خلق کردیم [و نجاتشان دادیم. ولی] اگر بخواهیم غرقشان می‌کنیم و فریادرسی ندارند).

ج. وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ (۲۸)

لکن در مثال ۲-۴-ج، حرف ربط و بر شباهت بین دو موقعیت ترسیم شده در آیه ۲۸ سوره یس دلالت می‌کند: (پس از وی هیچ سپاهی از آسمان بر قومش فرود نیاوردیم و [همچنین پیش از این هم] فرورستنده نبودیم).

۳-۴- رابطه احتمال: شرطی/موقعیت

الف. وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ (۴۳)

حرف ربط ف در مثال ۳-۴-الف فوق مفهوم نتیجه را می‌رساند (و اگر بخواهیم غرقشان می‌کنیم پس هیچ فریادرسی نمی‌یابند).

ب. مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (۴۹) فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (۵۰)

در آیه ۴۹ و ۵۰ سوره مبارکه یس خداوند لحظه مرگ انسان را ترسیم می‌کند، که (در حالیکه افراد سرگرم جدالند غافلگیرشان کند)، پس در نتیجه این ناگهانی بودن این رخداد (نه توانایی وصیتی دارند و نه می‌توانند به سوی کسان خود برگردند). حرف ربط و در آیه ۴۹ موقعیت مذکور را توصیف می‌کند، در حالیکه حرف ف در آیه بعد پیامد آنرا به تصویر می‌کشد که چون مرگ فرا رسد، فرصت و گریزی نمی‌ماند.

ج. الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۶۵)

در مثال ۳-۴-ج حرف و میانی مفهوم نتیجه را می‌رساند، یعنی با توجه به معنای آیه (امروز بر دهانهای آنان مهر می‌نهم، [پسدر نتیجه] دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان بدانچه فراهم می‌ساختند گواهی می‌دهند).

د. وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (۷۸)

در مثال فوق از آیه ۷۸ سوره یس حرف ربط و میانی در مفهوم بیان موقعیت (وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا) به کار رفته است (و برای ما مثلی آورد [در حالیکه] آفرینش خود را فراموش کرده بود).

۴-۴- رابطه تفصیلی: بازگویی، استثناء، تمثیلی، پیوندی

الف. وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (۳۳) وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَ

فَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ (۳۴) لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۳۵)

حروف ربط و مشخص شده در مثال ۴-۴-الف از آیات ۳۳-۳۵ سوره یس در مفهوم پیوندی به کار رفته است: (و زمین مرده برهانی است برای ایشان که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می‌خورند و در آن [زمین] باغهایی از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه‌ها در آن روان کردیم تا از میوه آن و [از] کارکرد دستهای خودشان بخورند آیا باز [هم] سپاس نمی‌گزارند).

ب. وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلُخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ (۳۷) وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸) وَالْقَمَرَ

قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ غَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (۳۹)

ج. وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ (۴۱) وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (۴۲)

اما در مثال ۴-۴-ب و ج فوق حروف ربط و مشخص شده در مفهوم تمثیلی به کار رفته است، چنانچه در آیه ۳۷-۳۹ می بینید: (و نشانه‌ای برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن برمی‌کنیم ... و [مثل] خورشید [که] به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است ... و [مثال دیگر اینکه] برای ماه منزل‌هایی معین کرده‌ایم تا چون شاخک خشک خوشه خرما برگردد). و به همین شکل در آیه ۴۲ به ذکر مثال دیگر می‌پردازد: (مانند آن برای ایشان مرکوبها [ی دیگری] خلق کردیم). اما حرف ربط و می تواند حامل نقش تفصیلی دیگری نیز در قالب تغییر موضوع یا بازگویی باشد. به این ترتیب، پس از ذکر مثال‌هایی که در آیات ۳۳-۳۵ برای اثبات قدرت خدا در زنده کردن مردگان ارائه شده است، بلافاصله در آیه ۳۶ موضوع تغییر کرده و به دنبال آن در آیات ۳۷-۳۹ و ۴۱ مثال‌هایی از قدرت خداوند در خلق ممکنات عالم به صورت جفت آمده است و از شب و روز، ماه و خورشید و نجات نژاد بشر با سوار کردن [جفت‌های موجودات مختلف] بر کشتی یاد شده است.

#### ۵- بحث و نتیجه‌گیری

در پی تحقیق در درستی فرضیه‌های مطالعه حاضر، در این بخش روابط انسجامی مربوط به هر کدام از حروف ربط و و ف مورد نظر بررسی شده، جایگاه غالب وقوع و تنوع نقشی آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفته و داده‌های پژوهش در قالب جدول زیر ارائه شده است. به طور کلی، سوره یس حدود ۷۵۰ واژه دارد (چنانچه با واژه پرداز ۲۰۱۰ شمارش شده است) و از این میان

مجموعاً ۹۳ اداات پیوندی و و ف، تنها در جایگاه بین جملات، وجود دارد، که (با احتساب مقادیری از رخداد حروف ربط دیگر) از شمار قابل تأملی برخوردار است.

جدول ۱- بسامد، جایگاه و انواع روابط گفتمانی متأثر از اداات "و" و "ف" در سوره یس

انواع روابط گفتمانی و فراوانی رابطه	محل وقوع	اداءات پیوندی
تفصیلی: پیوندی (۳۲)، بازگویی (۳)، تمثیلی (۹)	آغازی (۳۳)، میانی (۳۳)	و
	توالی منطقی: زمانی (۶)، علی (۴)	و
	مقایسه‌ای: تقابلی (۷)، تشابهی (۲)	و
	احتمالی: شرطی (۲)، موقعیت (۳)	و
	آغازی (۴)	ف
	توالی منطقی: زمانی (۸)، علی (۶)	ف
	مقایسه‌ای: تقابلی (۱)	ف
	احتمالی: شرطی (۱۱)، موقعیت (۱)	ف

با توجه به جدول نتایج در خصوص محل وقوع اداات پیوندی در جمله، در هیچ مورد حرف ربط در جایگاه پایانی مشاهده نشد. علاوه بر این، حرف "و" در آیات مورد بررسی به طور کلی ۶۶ بار به کار رفته و تعداد وقوع آن در جایگاه آغازی و میانی یکسان است. همچنین، اداات پیوندی "و" در نقش‌های تفصیلی (۴۴ تکرار در مجموع نقش‌های پیوندی، بازگویی و تمثیلی)، توالی منطقی (۱۰ تکرار در مجموع نقش‌های زمانی و علی)، در نقش مقایسه‌ای (۹ تکرار در قالب نقش‌های تقابلی و تشابهی) و در نقش احتمالی (۵ تکرار که در برگزیده دو نقش شرطی و موقعیت است) ظاهر شده است.

در مقابل، حرف ربط "ف" ۲۷ مرتبه و بیشتر در جایگاه میانی به کار رفته است، که ۱۴ تکرار در مجموع نقش‌های توالی منطقی، ۱ مورد در نقش مقایسه‌ای (تقابلی) و ۱۲ تکرار در نقش احتمالی (در بردارنده دو نقش شرطی و موقعیت) داشته است.

همانطور که مشاهده می‌شود، فراوانی وقوع اداات پیوندی "و" به نسبت حرف "ف" تفاوت قابل توجهی نشان می‌دهد. حرف "و" در ۹ نوع رابطه گفتمانی مشارکت دارد که پرسامدترین آن‌ها به ترتیب رابطه پیوندی، تمثیلی و تقابلی هستند، در حالیکه حرف "ف" در سوره مورد نظر در برقراری ۵ نوع رابطه ایفای نقش می‌کند که از پرسامدترین آن‌ها می‌توان رابطه زمانی، شرطی و علی را نام برد.

در نتیجه، فرضیه اول پژوهش در خصوص تفاوت حروف پیوندی و و ف در محل وقوع تأیید می شود، به این صورت که حرف ربط و در هر دو جایگاه آغاز و میانی به طور یکسان ظاهر شده ولی حرف ف بیشتر در جایگاه میانی مشاهده شد. علاوه بر این،

فرضیه دوم تحقیق مبنی بر تفاوت تنوع نقشی ادات پیوندی مورد مطالعه نیز تأیید شد و با نظر اندرسن (۱۹۹۸) در خصوص ماهیت چند نقشی برخی ابزار انسجامی که می تواند منجر به تفسیر بیش از یک نقش در یک متن شود هماهنگ است. بنابراین، قرآن به عنوان یک متن گفتمانی نوشتاری معتبرترین منبع اطلاعاتی قابل دسترس برای درک و تفسیر آیات آن است. در واقع برای درک معنای هر آیه می توان از اطلاعات زمینه ای آیات دیگر بهره برد. فراوانی قابل توجه ادات انسجامی به کار رفته در سوره مورد نظر به نسبت مجموع واژه های آن نشان از اهمیتی دارد که خداوندگار عالم به عنوان خالق متن قرآن برای حفظ پیوستگی و درک پذیری کتاب آسمانی برای بشر قائل شده است. بنابراین، بی شک قرآن نمونه کامل یک متن ادبی یکپارچه، بسیار منظم و خوش ساخت است.

## منابع

۱. آقاگل زاده، فردوس، ۱۳۸۵. تحلیل گفتمان انتقادی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۲. هنداوی، عبدالمجید. ۲۰۰۰. تح:مفتاح العلوم، از سکاکی، ابی یعقوب یوسف بن محمدبن علی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. فضائلی، مریم السادات، ۱۳۹۰. بررسی مقابله ای نشانگرهای گفتمان در شش رمان انگلیسی و ترجمه آن ها، مجموعه مقالات ششمین همایش بین المللی انجمن زبان و ادب فارسی.
۴. نظری، علیرضا؛ پروینی، خلیل؛ روشنفکر، کبری؛ آقاگل زاده، فردوس. ۱۳۹۰. زبانشناسی متن و الگوی انسجام در آرای نحوی، بلاغی و نقدی عربی قدیم، مجله ادب عربی، سال ۳، شماره ۳: ۱۱۲-۸۳.
۵. Al Khalil, T. ۲۰۰۵. Discourse Markers in Syrian Arabic: a study of halla, ya'ni, tayyeb, and lakan. Thesis, University of Essex.
۶. Al Kohlani, F. ۲۰۱۰. The function of Discourse Markers in Arabic Newspaper Articles. Georgetown University Press.
۷. Al Saif, A. ۲۰۱۲. Human and Automatic Annotation of Discourse Relations for Arabic, thesis. University of Leeds.
۸. Andersen. G. ۱۹۹۸. The pragmatic marker like from a relevance-theoretic perspective. In Jucker & Ziv. Discourse Markers: Descriptions and theory. Benjamin: ۱۴۷-۱۷۰.
۹. Aziz, Y. ۱۹۹۸. Topics in Translation with special reference to English and Arabic, Benghazi, Garyounis.
۱۰. Cohen, L. J. ۱۹۷۱. Some remarks on Grice's view about the logical particles of natural language. In Bar-Hillel, Y (ed.) Pragmatics of Natural Language. Dordrecht: Reidel .
۱۱. El Tahri, N. R. ۲۰۱۰. Textual integrity and coherence in Qur'an: Repetition and narrative structure in Surat Al-Bagharat. Thesis, University of Toronto.



۱۲. Fowler, R. ۱۹۸۶. *Linguistic Criticism*. Oxford: Oxford University Press.
۱۳. Fraser, B. ۱۹۹۹. What are discourse markers? *Journal of Pragmatics*, ۳۱ (۷), pp. ۹۳۱-۹۵۲.
۱۴. Gheitury, A., Golfam, A. ۲۰۰۸. The Quran as a nonlinear Text: Rethinking the Quran, *Intl.J.Humanities*, Vol ۱۵ (۱): ۱۱۶-۱۳۳.
۱۵. Gunter, R. ۱۹۸۴. The conjunctive system of English: a study of meaning, *Language Science*, ۶: ۱-۲۶
۱۶. Halliday, M.A.K. and Hassan, R. ۱۹۷۶. *Cohesion in English*. London: Longman.
۱۷. Hovy, E. H. & Maier, E. ۱۹۹۳. Parsimonious and Profligate: how many and which discourse structure relations? *Discourse processes*, University of Southern California.
۱۸. Hovy, E.H. ۱۹۹۳. Automated discourse generation using discourse structure relation. *Artificial Intelligence (Special Issue on Natural Language Processing)*: ۳۴۱-۳۸۵.
۱۹. Kaplan, R. ۱۹۶۶. Cultural thought patterns in intellectual education. *Language learning*, ۱۶: ۱-۲۱.
۲۰. Khan, I. A. ۲۰۰۲. Coherence in Qur'an: principles and application. *Intellectual discourse*. Vol. ۱۰(۳): ۴۷-۶۰.
۲۱. Knott, A. ۱۹۹۶. A data-driven methodology for motivating a set of coherence relations, thesis.
۲۲. Koch, B. J. ۱۹۸۱. Repetition in discourse cohesion and persuasion in Arabic argumentative prose. Thesis.
۲۳. Mann, W. C. & Thompson, S. A. ۱۹۸۸. Rhetorical structure theory: toward a functional theory of text organization. *Text* (۸): ۲۴۳-۲۸۱.
۲۴. Marku, D. ۱۹۹۹. A decision-based approach to rhetorical parsing. *Proceedings of the ۳۷th annual meeting of the Association for Computational Linguistics on computational linguistics*, Maryland, USA: ۱۲۳-۱۳۶.
۲۵. Marku, D. ۲۰۰۰. The rhetorical parsing of unrestricted texts: A surface-based approach. *Computational Linguistics*, ۲۶ (۳): ۳۶۵-۴۴۸.
۲۶. Mir, M. ۱۹۸۶. *Coherence in Qur'an*. American Trust Publication. US: ۱-۵۷.
۲۷. Miri Hussein, ۲۰۰۹. Relevance theory and procedural meaning: the semantics and pragmatics of discourse markers in English and Arabic. Thesis.
۲۸. Miri Hussein, ۲۰۰۸. The Discourse Marker "But" in English and Standard Arabic: one discourse and different implementation.
۲۹. Prasad, R.E., Miltsakaki, N., Dinesh, A., Lee, A., Joshi, L., Robaldo and Weber, B., ۲۰۰۸. The penn discourse Treebank annotation manual. The PDTB Research Group.
۳۰. Salwa M.L. Awa. ۲۰۰۶. *Textual Relations in the Qur'an: Relevance, Coherence and Structure*. (Routledge Studies in the Quran).
۳۱. Williams, M. P. ۱۸۹۲. A Contrastive analysis of text cohesion and development in Arabic and English. Thesis.

۳۲. Yahya, S., ۲۰۰۵. Implicit vs. Explicit Textualization of Conjunctive Cohesion with reference to translation. Adab Al-Rafidayn vol. (۴۲): ۱۱۵-۱۳۱.
۳۳. Zamel, V. ۱۹۸۳. Teaching those missing links in writing ELT Journal, (۳۷): ۲۲-۲۹.